

سیری در آداب و رسوم عزاداری محرم در تالش

قربان صحرایی چاله سرایی

از روزی که واقعه جانگداز، جانسوز و جهانسوز عاشورا در محرم سال ۶۱ هجری اتفاق افتاد، احوال گروهی از خلائق را دگرگونی دیگری حاصل آمد. تأثیری که واقعه عظیم کربلا بر فرهنگ ملل گذاشت بر کسی پوشیده نیست. امروزه بسیاری از مسلمانان و به ویژه شیعیان، فرهنگ عاشورا را با فرهنگ بومی خویش امتزاج نموده‌اند. غور در فرهنگ و رفتار عامه مردم بیانگر این مطلب است که گاه فرهنگ عاشورا چنان با فرهنگ بومی هر منطقه ممزوج شده که به هیچ وجه انفکاک آن میسر نیست.

مقاله ذیل سعی دارد تا فرازی از مراسم تعزیت سرور و سالار آزادگان عالم، حضرت حسین بن علی را در مناطق تالش ایران به ویژه روستاهای دوردست این منطقه، شرح و معرفی کند. از آنجایی که مراسم عزاداری امام حسین در تمام تالش تقریباً یکسان است، مراسم عزاداری منطقه امامزاده شفیع به عنوان نمونه، انتخاب و معرفی شده است.

سرآغاز شور

در اواخر ماه ذی‌الحجه، بزرگان و هیأت امنای مسجد و بقعه امامزاده شفیع در شاندرمن تالش به اهالی روستای خویش اعلام می‌کنند هرکس می‌خواهد در شست‌وشو و نظافت مسجد و بقعه سهیم باشد فردا بدان جا بیاید. جوانان و پیران با علاقه وافر راهی مسجد می‌شوند تا هرکس به فراخور توان گردی از سیمای مسجد بزداید. در این راه پیر غلامان امام حسین راهنمای آنها می‌شوند.

در دهه اول محرم، هر شب از مهمانان و عزاداران پذیرایی می‌شود. به همین دلیل اندک‌اندک نذورات مردمی به یکی از جوانان برومند و فعال مسجد تحویل می‌گردد.

عشق به حسین و یاران جاودانه‌اش در اعماق دل شیفتگان حضرتش آشیانه کرده، گویی خلائق را ولوله‌ایی جانانه در جان افتاده است که هرکس با تمام وجود مشغول به کاری است. بعضی از آنها فرش‌های مسجد و بقعه را به کنار رود مرغک برده‌اند تا با آب زلال آن شست‌وشو دهند؛ برخی نیز به رفت‌وروب در و دیوار مسجد پرداخته‌اند. بعضی دیگر پارچه‌های سیاه و پرچم‌های عزا را بر سر در منازل و مغازه‌ها نصب

می‌کنند. برخی از زنان به شستن و تمیز کردن پارچه‌های رنگارنگ علمه و بعضی دیگر به پاک کردن برنج و شکستن قند مشغول می‌شوند.

علم بندی

در شب اول محرم مراسم علم‌بندی برگزار می‌شود. مردان، داخل صحن و سرای مسجد نشسته، به بستن پارچه‌های رنگارنگ حول چوبی بلند می‌پردازند. پنجه علم را که معمولاً از جنس برنج و به رنگ طلایی است، بر نوک آن چوب می‌بندند. علم که آماده می‌شود با صلوات بر محمد و ذکر یا حسین و با احترام تمام، علم‌ها را در محراب مسجد، و در کنار و دو سمت منبر قرار می‌دهند. شب‌ها که هیأت زنجیرزنی و سینه‌زنی جوانان مسجد به عزاداری می‌پردازند دو نفر دو علم را برداشته، جلودار هیأت می‌شوند و تا پاسی از شب با دور زدن در میدان و حیاط مسجد و حول بقعه امامزاده شفیع به مرثیه‌خوانی و سینه‌زنی می‌پردازند.

در حین مراسم سینه‌زنی و در حالی که مرثیه‌خوان مشغول خواندن مرثیه‌ای در رثای حضرت عباس است، بعضاً به تناوب و وصف حال، شخصی با صدایی بلند و به شکلی حماسی فریاد می‌زند: ای شه کشور حی و سینه‌زنان هم با صدایی رسا و یکپارچه فریاد بر می‌آورند: ابالفصل یا آن که:

امید طفلان منی ابالفصل

یگانه غمخوار منی ابالفصل

دارد سکینه آرزو ابالفصل

با تو نماید گفت‌وگو ابالفصل

ادای این مصرع‌پاره‌ها به گونه‌ای است که نه تنها بر ریتم اصلی مرثیه خللی وارد نمی‌کند، بلکه بر تهییج عزاداران نیز می‌افزاید.

استقبال از هیأت‌های مهمان

عموماً هیأت‌ها و دستجات عزاداری روستاهای دیگر راهی بقعه امامزاده شفیع شده و در محوطه بقعه و مسجد، تاسوعا را تا نزدیک نماز مغرب به عزاداری و مرثیه‌خوانی می‌پردازند. در این برنامه رسم است که هیأت

زنجیرزان مسجد و بقعه امامزاده با تشکیل دو صف بلند در دوسوی جاده ورودی به بقعه مستقر می‌شوند و از هیأت‌های سینه‌زن استقبال کرده، هنگام وداع آن هیأت‌ها از بقعه، آنان را بدرقه می‌کنند.

غالباً هر کدام از هیأت‌ها هنگام ورود به صحن بقعه امامزاده، مرثیه‌ای می‌خواند که مصرع السلام علیک یا شاه مظلومان تکیه‌کلام زنجیرزان و سینه‌زان است. هم‌چنین هنگام وداع با هیأت امامزاده، مرثیه‌ای خوانده می‌شود که تکیه کلام عزاداران، این مصرع است:

ای هم‌سفر زینب، رفتیم خداحافظ

ای خون‌جگر زینب، رفتیم خداحافظ

هم‌چنین هیأت امامزاده شفیع هم به فراخور حال، ابتدا مرثیه‌ای با مضمون خوش‌آمدگویی و برای وداع، مرثیه‌ای با مضمون بدرقه قرائت می‌کند.

زار زار، شام غریبان

در تالش و به ویژه در روستای امامزاده شفیع و روستاهای اطراف، مراسم زار زار و شام غریبان نیز برگزار می‌شود. زار زار معمولاً بامداد روز عاشورا، زمانی که هنوز خورشید طلوع نکرده انجام می‌گیرد و آن عزاداری بامدادی است که با چرخیدن حول نزدیک‌ترین بقعه و یا مسجد و سینه زدن توسط نوجوانان و جوانان صورت می‌گیرد در حالی که در دست هر کدام، شاخه کوچکی از گیاه شمشاد و یا چلم است. هم‌چنین پس از غروب آفتاب روز عاشورا مراسم شام غریبان برگزار می‌گردد.

زار زار، واویلا روز قتل حسین است

در عالم، در عالم آوای شور و شین است

و عزاداران در حالی که با شاخه‌های سبز شمشاد به سر و صورت خویش می‌زنند، مرثیه سر می‌دهند:

امروز حسین سر می‌دهد، سر راه داور می‌دهد

وای وای حسین وای، وای وای حسین وای

و در مراسم غروب شام غریبان، اشعار زیر با نوحه و سینه‌زنی در نهایت حزن و اندوه خوانده می‌شود:

امشب به صحرا بی‌کفن، جسم شهیدان است

زینب پریشان است

ارض و سما گریان بر حال یتیمان است

شام غریبان است

شام غریبان

شب شام غریبان، جمله اهالی در مسجد حاضر شده و تا نیمه‌شب به عزاداری و مرثیه‌خوانی می‌پردازند. در این شب، ابتدا پنجه علم را باز کرده، به شکل وارونه در همان جای قبلی می‌بندند. به نظر می‌رسد این کار، احترامی است که به دست بریده حضرت عباس علمدار رشید کربلا گذاشته می‌شود.

از جمله اشعاری که در رثای سالار شهیدان در این شب خوانده می‌شود، مرثیه‌ای سوزناک از زبان حال حضرت فاطمه زهر است. در این مرثیه حضرت زهر با زمین کربلا به گفت‌وگو می‌پردازد؛

هیچ می‌دانی که است این شاه بی‌غسل و کفن؟

این حسین است آنکه گشته سر جدا دور از وطن

هست این نور دو چشم مصطفی فرزند من

جان تو جان حسینم ای زمین کربلا

آتش زدن خيام

از مراسم‌های سنتی در غروب شام غریبان، آتش زدن خیمه‌هاست، که دقایقی مانده به اذان مغرب انجام می‌شود. در عصر عاشورا خیمه‌هایی در چند نقطه نزدیک به هم برپا می‌شود. آنگاه دستجات عزاداری تا غروب آفتاب، حول خيام به عزاداری و نوحه‌سرایی همراه با سینه‌زنی و سنج‌نوازی می‌پردازند. سپس در وقت اذان

مغرب، خیام به آتش کشیده می‌شود. بسیاری از شیفتگان حضرت سیدالشهدا از خاکستر خیام سوخته شده، ذراتی را به عنوان تبرک برمی‌دارند.

علم واجینی

در سیزدهم محرم، مراسم علم واجینی برگزار می‌شود. در این مراسم، پارچه‌های علم‌ها یکی‌یکی باز می‌شود و به شکل زیبایی تا گردیده، بعضاً با عطر و گلاب معطر شده و در بقچه‌هایی برای سال دیگر بسته‌بندی و بایگانی می‌شود. هنگامی که هیأت در طول دهه به عزاداری می‌پردازد، مردم نذورات فراوانی هم لابه‌لای پارچه‌های علم می‌بندند که برای عمران و آبادانی مسجد و بقعه هزینه می‌شود.

سخن آخر

محرم، شمعی است افروخته حسین که هیچ‌گاه خاموشی نشاید. مادام که روزگار را بقایی است، شمع محرم جاودانه روشن است، و هر سال که بگذرد بر فروغ این شمع افزوده گردد.

و محبت حسین چنان بر دل عشاقش ریشه دوانیده که نام مبارکش دیده را بارانی می‌کند و دل‌ها را تفتیده؛ آنگاه که دل، تفتیده گشت دیده را عنان از کف برود و شب‌نم اشک به سیلاب سرشک مبدل شود و لغزان چو الماس برگونه‌ها دوان‌دوان سرریز گردد. پس آن‌گاه بر رگ و ریشه وجود پروانه‌گان حسین زمزمه حیات بیفشاند. آیا این التهاب و تفتیدگی را چه تواند آرام سازد جز یاد و ذکر حسین؟

منبع: www.hawzah.net